

ایران و درام نویسان بزرگ جهان

(۱۸)

دکتر مهدی فروغ
رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک

موضوعها و مضمونهای ادبی و تاریخی ایران در آثار نمایشنامه نویسان معروف جهان

اکنون که با توضیح کافی درباره نمایشنامه «تیمور لنگ» و شرح احوال نویسنده آن «کریستوفر مارلو»، درام نویس مشهور دوران الیزابت اول در انگلیس، از بحث در این مورد فراغت حاصل کردیم به اقتضای موضوع و محل و ترتیب زمان باید از کسی یاد کنیم که نامش معمولاً در زمره نمایشنامه نویسان، و آثارش در ردیف آثار این گروه از نویسندگان در نمی آید بلکه همه او را بعنوان یکی از بزرگترین موسیقیدانهای جهان میشناسند. این شخص «ژرژ فردریک هندل»^۱، مصنف مشهور است که در بین تصنیفات متنوع و متعددش اِپِرا و «ماسک» ها و «اوراتوریو»هایی را میتوان یافت که بعضی از آنها محتوی مضمونها و وقایع تاریخی و افسانه‌ای مربوط به ایران است و نظر به ارتباط بسیار نزدیکی که بین اِپِرا و «ماسک» و «اوراتوریو» از یک طرف و تئاتر واقعی^۲ از طرف دیگر موجود است لازم است که درباره آثار مزبور نیز مطالبی در اینجا بیان شود.

در بین آثار متعددی که «هندل» به شکلهای مختلف و با عنوانهای متفاوت تصنیف کرده ما لاقلاً دو اِپِرا و یک «ماسک» و یک «اوراتوریو» می‌یابیم که هر یک به وجهی با تاریخ کشور ما ارتباط دارد و عبارتست از اِپِرای «خشایارشا» و اِپِرای «تیمور لنگ»^۳ و نمایش «ماسک»^۴ موسوم به «هامان و مردخای»^۵ و «اوراتوریوی»^۶ «استر»^۷.

«هندل» را در تاریخ موسیقی معمولاً با «یوهان سباستیان باخ» مقایسه میکنند و علتش تنها این نیست که این دو عجب به موسیقی^۸ معاصر یکدیگر بوده‌اند بلکه بیشتر از این جهت است که در عظمت مقام و موقع هنری و علمی در یک ردیف قرار دارند. از این دو لحاظ که صرف نظر شود از بسیاری از جهات درست نقطه مقابل یکدیگرند. فی‌المثل «باخ» موسیقی‌دان یک شهر کوچک بود و استعداد خارق‌العاده خود را بیشتر در راه خدمت به کلیسا بکار میبرد. در صورتیکه «هندل» تصنیفات خود را در لندن، که یکی از پرجمعیت‌ترین و بزرگترین پایتخت‌های جهان آن روز بود و «هندل» قسمت اعظم عمر خود را نیز در آن گذرانید، منتشر میساخت. «باخ» یک مصنف متفکر بود و آثارش را با الهام از اندیشه خلق میکرد در حالی که تصنیفات «هندل» جنبه دراماتیک دارد و بر احساسات و هیجانات ذوقی و عاطفی استوار است.

«باخ» تمام تصنیفات خود را بنا بر اعتقادی راسخ به مبانی مذهبی و با الهامات آسمانی میساخت و هدفش بیان افکار دینی بود در صورتیکه «هندل» با وجود اینکه موجودی بسیار

پاك طينت و درستكار بود آثار خود را بخاطر مردم جهان خاكي تصنيف ميكرد . «باخ» افكار خود را بوسيله ارگ دركليس با پيروان مؤمن مسيح تقديم ميداشت درحالي كه «هندل» صحنه نمايش را براي بيان احساسات خود برگزيد .

شهرت «باخ» منحصر بود به حوزه‌های علمای موسیقی و نوازندگان حرفه‌ای درخاك آلمان ، درحالی كه قسمت عمده کشورهای اروپا «هندل» را ، در دوران حياتش ، بعنوان يك مصنف عالیقدر موسیقی ميشناختند .

ولی چرخ بازبگر سرنوشت ايشان را تغيير داد . در سالهای اخير شهرت «باخ» روز بروز افزايش يافته و توجه عموم به وی بجايي رسیده كه بعضی حتی او را بمقام الوهيت رسانیده‌اند و «هندل» كه در سده هفدهم خداوند موسیقی بحساب می‌آمد بتدريج از صدر مصطفی جلال ترول کرده است . شايد بتوان گفت كه امروزه بهمان نسبتی كه در معرفی «باخ» گاهی مبالغه ميشود نام «هندل» كمتر بگوش ميرسد و آثارش كمتر نواخته ميشود .

«ژرژ فردريك هندل» كه بطور قطع یکی از نوایغ موسیقی است فرزند يك دلاک جراح متمول و متنفذ بود . پدرش در شصت و يك سالگی تجدید فراش كرد و دختر كشيی را به همسری برگريد . هيچيك از ايشان استعدادی در موسیقی نداشتند . پدرش نه تنها موسیقی را درك نميكرد بلكه از موسيقيدانها هم بيزار بود و تصميم داشت پسرش حقوق دان شود ولی شوق و علاقه فراوان و كم سابقه «هندل» او را بسوی موسیقی كشانید . در هفت سالگی برای فرمانروای «ساكسونی»^۹ ارگ نواخت و فرمانروا بقدری تحت تأثیر استعداد وی قرار گرفت كه توصیه اكيد كرد كه استادی برای تعليم دادن به وی در نظر بگيرند .

«هندل» مقدمات موسیقی را نزد «تزاخو»^{۱۰} آموخت و استاد از همان آغاز ، استعداد خارق العاده كودك را دريافت و او را به شیوه‌های مختلف موسیقی ايتاليایی آشنا ساخت . در يازده سالگی به برلن رفت و در دربار ملكه «سوفيا»^{۱۱} از كودك هنرمند استقبال گرمی بعمل آمد . «هندل» همه درباريان را از روش كار و مهارت خود در شگفتی فروبرد بطوريكه ملكه حاضر شد هزینه اعزام او را به ايتاليا تقبل كند . اين سفر هنری بسبب مخالفت پدر صورت نگرفت و در مقابل ،

۱ - George Friedrich Handel نویسنده آلمانی نام این مصنف را عموماً بصورت Händel

مینویسند . در اوائل ورودش به انگلستان هندل اسم خود را بصورت Hendel مینوشت ولی پس از اینکه تابعیت انگلیس را پذیرفت ، نام خود را به املاي انگلیسی باین صورت George Frederic Handel تغییر داد . در آلمان نام خانوادگی این مصنف بصورت های Händeler, Hendeler و Hendtler نیز ضبط شده است .

۲ - Legitimate theatre

۳ - Tamerlano

۴ - Masque نوع مخصوصی از نمايش توأم با موسیقی است كه در این دوره در انگلیس بسیار متداول بوده و مختصری هم در نمایشنامه‌های شكسپیر از جمله نمایشنامه «توفان» The Tempest نفوذ یافته است . در این نمایشها كه عموماً در دربار و بطور خصوصی بصورتی بسیار مجلل بازی میشد عده زیادی خواننده و نوازنده و رقص شركت داشتند .

۵ - Haman and Mordecai مقصود هامان است كه از مشاوران و وزیران خشایارشا بوده است . بعداً در این باره توضیح بیشتری خواهیم داد .

۶ - Oratorio در این مورد بعداً صحبت خواهیم كرد .

۷ - Ester

۸ - باخ در ۲۱ ماه مارس ۱۶۸۵ بدنیا آمد و تقریباً يك ماه از هندل جوا تر بود زیرا هندل در ۲۳ فوریه ۱۶۸۵ بدنیا آمده است .

۹ - منطقه‌ای در شمال آلمان كه هندل در آن بدنیا آمده بود .

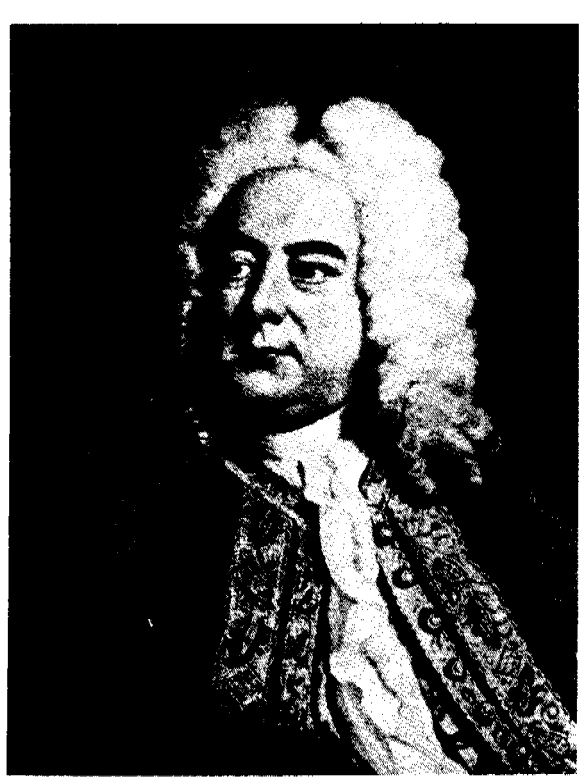
۱۰ - Friedrich Wilhelm Zachau (۱۷۱۲-۱۶۶۳) مصنف موسیقی و ارگ نواز معروف آلمان .

۱۱ - Charlotte Sophia (۱۷۰۵ - ۱۶۶۵) ملكه پروسی كه از علاقمندان هنر و ادب بوده كه

تأسیس دانشگاه برلن هم تاحدی مربوط به كوشش و همت او بوده است .



یوهان سباستیان باخ



ژرژ فردریک هندل

علاقه «هندل» به پیروی از امر پدر به تحصیل علم حقوق هم دیری نپایید و بلافاصله پس از فراغ از تحصیل در دبیرستان تمام هم خود را به فراگرفتن و تمرین موسیقی صرف کرد. در هیجده سالگی به هامبورگ، که در آن موقع مرکز اپرای آلمان بود رفت و در این شهر پرازسحام در گروه نوازندگان مصنفی بنام «کایزر»^{۱۲}، که میکوشید مکتب خاصی برای اپرای آلمانی، در مقابل اپرای فرانسوی و ایتالیایی ابداع کند، بنواختن ویولون مشغول شد. «هندل» علاقه فراوانی به آموختن رموز اپرا، که یک ربع قرن پیش از آن شاهکارهای بزرگی از آن بوجود آمده بود نشان میداد.

چندی بعد به «لوبک»^{۱۳} رفت تا در مسابقه‌ای که برای جانشینی «بوکسته هود»^{۱۴}، ارگ نواز کلیسای آن شهر ترتیب داده شده بود خود را معرفی کند ولی موقعی که دانست شرط لازم برای توفیق در مسابقه ازدواج با دختر استاد است پس از نگاهی به قیافه دختر از شرکت در مسابقه صرف نظر کرد^{۱۵}.

کمی بعد با یکی از دوستان موسیقی‌اش جنگ تن به تن کرد و اگر شمشیر رقیب در نتیجه اصابت به تکه لباس «هندل» نشکسته بود امروز لازم نمی‌آمد که ما درباره اپرای «خشایارشا» و «تیمور لنگ» مطلبی عنوان کنیم.

نخستین اپرای «هندل» بنام «المیرا»^{۱۶} در ژانویه سال ۱۷۰۵ با شکوه و توفیق فراوان بروی صحنه آمد و تقریباً هفت هفته بازی شد. «کایزر» بر کامیابی «هندل» رشک برد و در صدد آزار وی برآمد و بالاخره او را از هامبورگ راند.

«هندل» در سال ۱۷۰۶ به شهر فلورانس در ایتالیا و پس از آن به رم رفت ولی باز به فلورانس بازگشت و اپرای موسوم به «رودریگو»^{۱۷} را در آن شهر بروی صحنه آورد. سپس یک اپرای ایتالیایی تصنیف کرد و برای نمایش آن به شهر ونیس که پرتو خورشید رنسانس هنوز بر آن میتابید رفت ولی مردم باو علاقه‌ای نشان ندادند. در این شهر با شخصی آشنا شد که او را به رفتن به انگلستان تشویق کرد. سفری طولانی بنواحی جنوب ایتالیا کرد و دید که آوازه شهرتش همه

جا پیچیده است. پس از آن به ناپل رفت و در تمام این سفرها آهنگهای محلی گیرا و دلپذیر آن نواحی را درحافظه خود ضبط میکرد.

در سال ۱۷۰۹ اپرای «اگر بیینا»^{۱۸} را با شکوه تمام بروی صحنه آورد که بیست و هفت شب متوالی ادامه داشت و شهرتش بعنوان موسیقیدانی مسلم در سراسر دنیا پیچید. در این موقع به دربار فرمانروای «هانور» دعوت شد ولی کمی بعد از ورود به آن شهر برای رفتن به انگلیس از فرمانروا تقاضای مرخصی کرد. وقتی به سواحل انگلیس پیاده شد کشور مزبور محزوتترین دوره‌های خزان را در تاریخ هنر خود می‌پیمود. موسیقی بعلل مختلف و مخصوصاً بسبب تنزل ذوق عمومی بصورت تأسف‌آوری درآمده بود. تماشاخانه‌های «دروری لین»^{۱۹} و «ملکه»^{۲۰} در هرزه‌ترین و کثیف‌ترین نقاط شهر بود و مردم جرأت نمیکردند برای دیدن اپرا به تماشاخانه بروند. در خود تماشاخانه‌ها هم هر شب جیب‌ها بریده و دعواها برپا و بینی‌ها شکسته میشد. فقط يك اتفاق بی‌سابقه و بدیع ممکن بود وضع را عوض کند و ورود «هندل» در این موقع بسیار مناسب بود.

«هندل» پس از مدت کوتاهی اپرای «رینالدو»^{۲۱} را در فوریه ۱۷۱۱ با استقبال بی‌نظیر مردم بروی صحنه آورد. چندی بعد به هانور بازگشت ولی سکوت ملال‌انگیز آن شهر دوباره او را به انگلیس بازگردانید. اپراهای دیگری را با توفیق کم و بیش متوسطی بروی صحنه آورد و در همین موقع موسیقی معروف به «موسیقی آب»^{۲۲} را تصنیف کرد.

در لندن مرد ثروتمندی کاخی بنام «کانوتر»^{۲۳} بنا کرده بود که در آن هر شب برنامه‌های مفصل و باشکوه موسیقی اجرا میشد و «هندل» مدتی رئیس موسیقی این کاخ بود. و در این دوره بیشتر وقت خود را بنواختن ارگ صرف میکرد و هر وقت فرصت می‌یافت يك نمایش ماسک در تماشاخانه خصوصی این شخص ترتیب میداد. پس از تصنیف مقدار زیادی آهنگ به شکلهای گوناگون و برای سازهای مختلف که در اینجا لزومی برای ذکر آنها نیست در سال ۱۷۲۰ داستان موسوم به «اسیس و گالاتیا»^{۲۴} که موضوعی است مضحک و «هندل» نیز حداعلاهی استفاده را برای نشان دادن این کیفیت از سازهای مختلف کرده است تصنیف کرد.

در همین سال يك شاعر انگلیسی که احتمال داده میشود «الکساندر پوپ»^{۲۵} بوده باشد چکامه‌ای خزن‌انگیز بنظم درآورد که «هندل» با موسیقی تلفیق کرد و آنرا «هامان و مردخای»^{۲۶} نامید.

- ۱۲ - Reinhardt Kaiser (۱۷۳۹ - ۱۶۷۴) این مصنف را پسر اپرای آلمان میشناسند.
۱۳ - Lubec
۱۴ - Dielrich Buxtehude (۱۷۰۷ - ۱۶۳۷) نوازنده معروف ارگ و مصنف عالی‌مقام دانمارکی که باخ ۵۰ میل پیاده پیمود تا محضرش را درک کند.
۱۵ - گویا باخ هم با همین مشکل روبرو شده‌است.
۱۶ - Almira
۱۷ - Rodrigo
۱۸ - Agrippina
۱۹ - Drury Lane قدیمی‌ترین تماشاخانه لندن که در سده هفدهم ساخته شد و در ۱۶۷۱ آتش گرفت و باز بنا شد و آن هم در سال ۱۸۰۹ سوخت و بنای فعلی در سال ۱۸۱۲ ساخته شده‌است.
۲۰ - Queen's Theatre
۲۱ - Rinaldo
۲۲ - Water music
۲۳ - Canons
۲۴ - Acis and Galatea
۲۵ - Alexandre Pop (۱۷۴۴ - ۱۶۸۸) شاعر معروف انگلیس در سده هجدهم که بسبب ترجمه آثار هم نیز اهمیت فراوان یافته است.
۲۶ - Haman and Mordecai